

آغاز



یالطیف

«هنر عبارت است از شناخت حقیقت اشیا از طریق صورت‌های خیالی و استعاری و گزارش دستاورد این شناخت از طریق استفاده از ابزارهای موجود.»^۱

هنر در این مرتبه، به اعتبار نوع معرفت خاص نسبت به جهان و هستی و انسان تعریف می‌شود و از این نظر، هنر باب خاصی از ابواب معرفت است. از راه هنر، نسبت به حقایق وجود، معرفت و شناخت می‌یابیم و این شناخت را با هر ابزاری از رشته‌های هنری گزارش می‌کنیم؛ از کلام تا نقش و تصویر و نمایش و هنرمند در پی بیان حقیقت و ابداع آن است. و در آغاز راه چون شکارگری است که ردپاها را می‌جوید تا به اصل برسد و به شکار دست یابد؛ آهویی گریزی‌ای که در ابتدا تنها ردپایی از او بر جای مانده که خود نشانی است برای آغاز حرکت. اما پس از طی طریق، این بوی دلاویز نافه‌ی آهوست که او را به سوی خود می‌خواند و هدایت می‌کند. و هنرمند، سالکی است که در آغاز به صورت حقیقت توجه دارد و راه را تعبدی و تقلیدی می‌رود، اما

«چند گاهش گام آهو در خورست
بعد از آن خود ناف آهو رهبرست»^۲

آن‌گاه، اخگر ذوق و اشتیاق در قلبش پدید می‌آید و تکلیف و تکلف، صبغ‌هی ذوق و اشتیاق می‌گیرد و بدین ترتیب، باقی‌مانده‌ی راه را تا وصول به اصل، عاشقانه می‌پیماید.

«چون که شکر گام کرد و ره برید
لاجرم زان گام در کامی رسید»

سر دبیر

زیرنویس

۱. برگرفته از مقاله‌ی هنر و حقیقت، دکتر محمد رجبی.

۲. شرح جامع مثنوی معنوی، کریم زمانی.